اوضاع ایران

دولت سامانیّه است با حکیم ابو المثل بخاری معاصر بوده است همانا رونقی‏ تخلّص میکرده از اشعارش چیزی در میان نمانده است از اوست:

جانیست تیغ شاه که دیدا اینچنین شگفت‏ جانی کز او بود تن و جان همه خراب‏ لرزان بجای گوهر در جرم او پدید جانهای دشمنانش چو ذرّه در آفتاب

ایضا له:

نبیدی که نشناسی از آفتاب‏ چو با آفتابش کنی مقترن‏ چنان تابد از جام گوئی که هست‏ عقیق یمن در سهیل یمن

در لغت فرس تألیف اسدی‏طوسی که ظاهرا کنی بعد از سنهء 458 تألیف شده است‏1نیز در مقام استشهاد برای معانی لغت فارسی‏ در هفت موقع ذکر از اشعار ابو المؤیّد شده و همه‏جا بطور مطلق باسم بو المؤیّد ذکر شده بدون اضافهء صفت بلخی و بدین‏ جهت شاید بطور قطع نتوان گفت که اشعار مزبور از ابو المؤیّد بلخی‏ است(نه ابو المؤیّد رونقی بخاری‏2)ولی چون در استشهاد یکی از همان لغات در فرهنگ جهانگیری همان شعر عینا باسم ابو المؤیّد بلخی‏ ثبت شده لهذا احتمال میشود داد که در حقیقت از همان شاعر است و اگر یکی از آن اشعار مال او باشد باقی هم از اوست زیرا که در لغت فرس اسدی همه‏جا از یک بو المؤیّد بطور اطلاق سخن رفته و اگر مختلف و متعدّد بود با صفات دیگر تمیز داده میشد.این است اشعار که از بو المؤیّد در لغت فرس آمده:

1-در لغت کالوس:کالوس مردم خربط باشذ بو المؤیّد گفت

ملول مردم کالوس و بی‏محلّ باشد مکن نگارا این خو و طبع را بگذار

2-در لغت سد کیس:سد کیس قوس قزح باشذ بو المؤیّد گفت

میغ مانندهء پنبه است همی باز نداف‏ هست سد کیس درونه که درو پنبه زنند

3-در لغت بش:بش آهن پارهء تنگ باشذ که بر صندوق و دوات و در زنند و بمسار بدوزند بو المؤیّد گفت

از آبنوس دری اندرو فراشته بوذ بجای آهن سیمین همه بش و مسمار

4-در لغت شکاف:شکاف ابریشم بر کلابه زذه بوذ بو المؤیّد گفت

شکوفه همچو شکافست و میغ دیباباف‏ مه و خورست همانا بباغ در صرّاف

5-در لغت خنجک:خنجک خاری باشذ که بتازی آنرا شیح خوانند بو المؤیّد گفت

نباشذ بس عجب از بختم ار عود شوذ در دست من مانند خنجک‏

(1)طبع پاول هورن- Paul Hirn

(2)اسم این شاعر ومختصر شرح راجع باو هم باز جداگانه در لباب الأباب‏ مسطور است.مجمع الفصحا رونقی را تخلّص همان ابو المؤیّد بلخی میداند.

6-در لغت تلک:تلک چیزی باشذ کرد و سرخ و زرد نیز بود و ترش بوذ و آلوی کوهی گویندش بو المؤیّد گفت

صفرای مرا سود ندارد تلکا درد سر من کجا شناسد علکا سوگند خورم بهرچ هستک ملکا کز عشق تو بگداخته‏ام چون کلکا

7-در لغت ملک:ملک دانه‏ایست چون ماش و از عدس مه باشد گروهی کلولش خوانند بو المؤیّد گفت

بسا کسا که ندیم حریره و بره است‏ و بس کسست که سیری نیابذ[از]ملکی.

در فرهنگ شعوری نیز در لغت«زاج»این شعر از بو المؤیّد منقول است:

دلیری که ترسد ز پیکار شیر زن زاج خوانش نه مرد دلیر.

در باب تاریخ زمان حیات ابو المؤیّد بصحّت و دقّت نمیشود چیزی‏ گفت و فقط مأخذی که برای تعیین تاریخ تقریبی او در دست است بودن‏ اوست از شعرای عهد سامانی(سلطنت از 295 تا 389)و تقدّمش‏ بر فردوسی و بختیاری است و علاوه بر اینها اگر حدس اینکه شاید مشار الیه یکی از مؤلّفین شاهنامهء منثوری بوده که برای ابو منصور بن عبد الرّزاق طوسی تألیف شده(و ظاهرا همه جا مراد از شاهنامه بطور مطلق‏ آن بوده)صحیح باشد[چنانکه در مقالهء راجع بشاهنامه تفصیلا ذکر خواهد شد]در این صورت میشود زمان او را در اواخر نصف اوّل‏ قرن چهارم هجری گذاشت.یک نکتهء دیگر نیز شاید قرینه و مؤیّد کشف مطلب بشود و آن شعر شمارهء(6)است از اشعار مندرجه در لغت‏ اسدی طوسی که رباعی است و رباعی بقول بعضی از عروضییّن از زمان‏ رودکی باین طرف رایج شده و پیش از آن نبوده پس ابو المؤیّد بعد از رودکی متوفّی در سنهء 329 میزیسته است.

آنچه دربارهء این شاعر و اشعار او گفته شد البتّه مبنی بر یک تتبّع‏ ناقصی است که فعلا امکان داشت و اگر تذکره‏های احوال شعرا و جنگها و کتب لغت فارسی که شواهد دارند استقراء و استقصاء شود شاید هم مبلغی‏ از اشعار او و هم بواسطهء دقت در مضامین آنها قرایی برای احیای تاریخ‏ حیات او بدست آید.

اوضاع ایران‏1

SSدولت ایران دخول خود را رسما بمجمع اتّحاد ملل اظهار داشته‏ و شاهزاده فیروز میرزا وزیر امور خارجه که در لندن بود در تاریخ‏ (1)قسمت زیادی از این اخبار علاوه بر جراید فارسی طهران از ورقهء اخبار آلمانی موسوم به«اطّلاعات انجمن آلمان و ایران»اقتباس شده است.

کاوه » شماره 37 (صفحه 10)

13 ربیع الاوّل 1338 بمنشی کلّ آن مجمع سیر اریک دروموند1 رسما این مطلب را نوشته و تعهدّ نموده که ایران تمام تکالیف و وظایفی را که بواسطهء آن عهدنامه بر عهدهء اعضای آن مجمع میافتد کما هو حقّه حاضر است اجرا نماید.بموجب اخبار جراید ایران نمایندگان ایران در آن‏ مجمع برحسب پیشنهاد وزارت خارجه و تصویب رئیس الوزرا از قرار ذیل خواهد بود:میرزا محمّد علی خان ذکاء الملک بسمت ریاست،میرزا محمّد علی خان احتشام همایون(که نایب اوّل سفارت ایران در لندن بود) و عبد العلی خان صدیق السّلطنه(وزیر مختار ایران در واشنکتون)بسمت‏ عضویّت.

SSبنا بخبر 11 ذی القعدهء 1337 نظر بخواهش دولت ایران‏ وزارت عدلیتهء فرانسه با موافقت و تصویب وزارت خارجهء آن دولت یک‏ هیئت اصلاحات عدلیه تشکیل داده که عنقریب بطهران بروند.این هیئت‏ مرکّب از 4 نفر است و در طهران یک مدرسهء علم حقوق ایجاد خواهند کرد و علاوه‏بر این ممیّزی و تفتیش دیوانخانهء ایران را هم بعهده خواهند گرفت و هم این هیئت با همدستی وزارت عدلیّه ایران یک هیئت شواری‏ عدلیّه بنا خواهد کرد.

SSدر یک صحبت عمومی که در 17 ذی الحجّه 1338 سرهنگ ناپیر2 در باب ایران داده چنین گفت:دو خطّ راه‏آهن بسرحدّ ایران رسیده‏ است یکی از کوتّا از راه نوشکی تا دوزاب(قصبه‏ایست در جنوب ملک‏ سیاه کوه)در مشرق و دیگری از بغداد تا خانقین درمغرب.علاوه‏بر اینها یک راه‏آهن باریک 52 میلی(14 فرسنگ)از بوشهر تا برازجان‏ کشیده شده و یک راه اتومبیل‏رو هم از بوشهر تا شیراز درست‏ شده و بکار افتاده است.این راه از شمال گردنه‏های کتل دختر و پیره‏ زن میگذرد.

SSدر طهران سفیر بلژیک عوض شده و بجای بورشگراو3که‏ سفیر قدیم بود دریموند4منصوب گردیده است و همچنین لوکنت‏5 سفیر فرانسه هم معزول و بجای وی تونن‏6منصوب گردیده است. بجای کنت اریوابنه گنزاگا7سفیر سابق ایتالی که در پائیز 1337 خودش را کشت سفیر تازه‏ای منصوب گردیده موسوم به کاتالینی‏8.سفیر روس اتر9هم بپاریس مسافرت نموده و امور سفارت را قونسول‏ ژنرال تبریز بلایف‏10اداره میکند.دولت اسپانی هم سفیر خود دورومرو دوسمت را11بدون آنکه جانشینی برای او معیّن کرده باشد باسپانی خواسته است.

(1) Sir Erie Drumond

(2) G.F.Napier مشار الیه در سنه 1321 مأمور نظامی انگلیس در سفارت‏ طهران بود.

(3) Burchgrave

(4) Draymond

(5) Le Comte

(6) Bonin

(7) Arrivabene Gonzaga

(8) Guiseppe Catalini

(9) v.Etter

(10) Belajeff

(11) De Romero-Dusmet

SS احصائیّهء وفیات شهر طهران با علّت وفات مرتّبا در جراید آن‏ شهر نشر میشود و از صورت اوقات متعارفی چنان استنباط میشود که‏ مرض غالب و مهلک در طهران بیشتر از همه اسهال و حصبه و تب و نوبه‏ است.

SSبعد استیلای انگلیس بعراق عرب و اختتام جنگ اوضاع بحالت‏ طبیعی عودت کرده و معلوم است از آن جمله اوضاع تردّد زوّر بمشاهد نیز پس از تعطیل سالهای جنکگ راه افتاده است.این فقره را خدّام آن‏ نقاط مثل تفضّل دولت تازه فرض کرده و رضایت‏نامه بمهر همهء صاحبمنصبان‏ مختلف الوظایف از کلیددار و زیارت‏نامه‏خوان و غیره در مدح و ثنا و سپاسگذاری دولت انگلیس تمام کرده و در جراید نشر کرده‏اند.از طرف دیگر در ایران چاوشها و نعش‏کشها معرکه راه انداخته و مردم را تشویق میکنند که پولشانرا بعجله بآنجا برده و بخزانه‏داری جدید آن ولایت تحویل بدهند و در سال گذشته در موقع عید اضحی‏ (بنا بروایت جراید ایران)عدّهء زوّار کربلا به 000،200 نفر بالغ بوده است.

SSبموجب آنچه جراید فرانسه خبر داده‏اند وزیر امور خارجهء ایران صورتی از خسارات و ضررها و خرابیها که در اثنای جنگ بواسطهء مصادمات از دول محارب بدولت ایران و اتباع او در ایران وارد آمده بسفارت ایران درسویس فرستاده که خلاصهء آن از این‏ قرار است:

1-000،300 نفر تلفات.2-خسارت مالی بدولت و ادارات‏ عمومی 407،227،4 تومان.3-خسارات مالی بافراد اهالی مملکت 436 هزار تومان و کسری.

SSجمع و خرج(بودجه)وزارت امور خارجهء ایران برای سنهء پیچی ئیل(1338-1339)که تصویب شده معادل 125،641 تومان بوده است.

SSواردات و صادرات خزانهء ایران اگر میزان برج اسد گذشته را که‏ در جراید ایران بنظر رسید میزان متوسّط قرار داده و مبنای عمل بگیریم‏ در سال به 9 ملیون تومان عایدات بالغ و مخارج هم به 11 ملیون و نیم‏ در سال میرسد چه واردات و صادرات خزانه‏داری کلّ در برج اسد گذشته معادل 390،997،782 تومان عایدات و 34،824،956 تومان‏ مخارج بوده است.در برج سنبله هم عایدات 545،186،389 تومان‏ و مخارج 7،477،915 تومان بوده است.

SSدر تجارت ایران از ابتدای جنگ اروپائی باین طرف تغییرات‏ مهمّی رخ داده.در سنه 1331 تقسیم صادرات و واردات ایران‏ بممالک مختلفه از این قرار بود:بروسیه 63 درصد،بانگلستان 21 درصد و ببسایر ممالک 16 درصد.ابتدا بسته شدن تنگهء داردنل بود که‏ تجارت را از راه دیای سیاه با ایران قطع کرده و بیشتر بطرف خلیج فارس برگردانید.بعدها اغتشاش روسیّه تقریبا بکلّی باعث تعطیل تجارت‏ ایران با آن مملکت شد.منسوجات پنبه‏ای و سایر امتعه‏ای که سابقا بیشتر از روسیّه بایران وارد میشد حالا مقدار کلّی آن از هند بطریق ایران بقفقاز و ماوراء خزر میرود.

بجهت صعوبت مناقلات برّی و بحری میان انگلیس و ایران عدّهء کثیری‏ از تچارتخانها در بمبئی که سابقا میان انگلیس و ایرن مستقیما تجارت میکرد بسته شده.تجارت ایران در سالهای اخیر با انگلیس و هند بدین قرار بوده است؛

در سال میلادی 1913-1914 بانگلیس..000،000،13 تومان‏ با هند...000،400،10 تومان‏ در سال میلادی 1917-1918 با انگلیس..000،000،17 تومان‏ با هند....000،300،25 تومان‏ معلوم است که پس از راه افتادن کشتی‏رانی و مناقلات و عودت بحالت‏ طبیعی دوباره توازن طبیعی بعمل خواهد آمد.تجارت با هند دائما رو بتزاید بوده برای آنکه تجارت با آن مملکت از راه خلیج فارس تا اندازه‏ای‏ از تأثیر جنگ آزاد مانده بود.صادرات انگلیس بایران در تمام مدّت‏ سال میلادی 1917-1918 بدرجهء معتدّبه در فزایش بود و مقدار آن‏ در این سال بمبلغ 626،313،31 تومان و 6 قران رسید در مقابل‏ 127،362،8 تومان و شش قران در سال میلادی 1915-1916.مبلغ‏ 304،343 تومان و 7 قران قیمت اشیائی که از ادارهء نظامی انگلیس برای‏ قشون آندولت در سواحل خلیج فارس فرستاده شده نیز در حساب سال‏ مزبور داخل است.تزاید واردات از هند عمده در امتعهء پنبه‏ای‏ و پشمی،قند(بیشتر از هونگ کونگ)،اسباب آهنی،برنج،آرد،غلّه، نیل است.بثبوت رسیده که در این امتعه که در سالنامهء احصائیّهء گمرکی ایران‏ بعنوان امتعهء هند انگلیسی ثبت شده اصلا امتعهء ژاپونی هستند که بهند رفته‏ است یکی آنکه این زیادی مبلغ واردات بایران را نباید فقط از زیادی‏ امتعهء وارده دانست بلکه ترقّی قیمت و گرانی اشیاء نیز در بزرگی‏ مبلغ خیلی دخیل است.دوّم آنکه یک مقدار کلّی از واردات از سیستان خود ایران از راه هند بایران صادر شده یعنی دور زده و برگشته است.

در سال پیش از جنگ(یعنی سال میلادی 1913-1914)مجموع‏ واردات از انگلیس بایران به 460،795،17 تومان و 8 قران بالغ شده‏ بود.حالا این مبلغ مضاعف شده و اینک واردات از انگلیس صدی‏ 63 از مجموع واردات ایران را تشکیل میکند و در این باب انگلیس مقامی‏ را که سابق روس در ایران داشت صاحب شده است.واردات از انگلیس بایران بیشتر از صادرات ایران بآن مملکت است.در سال آخری‏ این فرق صادرات و واردات کمتر شده ولی اگر قیمت نفت را که از معدنهای ایران خود انگلیسها اخراج و صادر میکنند و قیمت نقره‏ای را که میبرند از مجموع صادرات ایران بانگلیس تفریق کنید فقط 628،174،4 تومان و 3 قران صادرات ایران بانگلیس میماند.پس دولت انگلیس از ایران قریب چهار ملیون و صد و هفتاد هزار تومان چیز خریداری کرده‏ و در عوض قریب بیست و نه ملیون و هشتصد هزار تومان(تحقیقی‏ 808،777،29 تومان و 2 قران)چیز بایران فروخته یعنی بیشتر از هفت برابر.فعلا تجارت انگلیس و هند در ایران درجهء اوّل را در میان ممالک خارجه دارد.

سختی اوضاع اقتصادی روسیّه و غدغن خارج کردن متاع از آن مملکت‏ بتجارت روس اثر طبیعی خود را کرده و واردات از روس بایران که‏ در سنهء میلادی 1916-1917 به 325،741،22 تومان و یک قران بالغ‏ شده بود اینک در سال گذشته(یعنی سال میلادی 1917-1918) 221،748،10 تومان و 5 قران پائین افتاده است.و اگر این نیز در نظر گرفته شود که از این مبلغ اخیر یک قسمت راجع بترقی قیمت اشیاء (نه زیادی جنس و متاع)و قسمت کلّی دیگر معادل 089،491 تومان و 2 قران اشیاء و ذخیرهء جنگی برای قشون روس در ایران و قریب 498،818 تومان نقرهء مسکوک برای همین قشون بوده اهمیّت نقصان واردات روس‏ در نظر بیشتر میشود و در حقیقت قیمت امتعهء وارده به 634،438،9 تومان‏ و 3 قران میرسد در صورتیکه در سنهء میلادی 1913-1914 صادرات‏ رسیّه بایران بملغ 813،588،35 تومانو 8 قران بالغ بود و از این‏ مبلغ 850،451 تومان قیمت پول نقره بود.پس صادرات بروس بایرات‏ بصدی 27 پائین افتاده است و عمده در صادرات قند و نخ‏ پنبه‏ای و چای و لباس و توتون نقصان پدید آمده است و برعکس در صادرات کبریت و نفت و آهن و پولاد و کاغذ و حیوانات ترقّی حاصل‏ شده است.

صادرات از ایران بروسیّه در سنهء 1917-1918 بمبلغ‏ 629،207،16 تومان و 3 قران بالغ شده در صورتیکه در سال قبل از آن معادل 919،942،29 تومان و 6 قران بوده یعنی صدی 46 کمتر شده. عمده جهت این نقصان غدغن دولت ایران بود اخراج آزوقه و موادّ خام را از مملکت و مخصوصا خارج کردن مال خشکبار و برنج و پنبه و تریاک‏ و پشم و غلّه و ابریشم و فرش.ولی از آنطرف در صادرات حیوانات‏ زنده و ماهی تازه یا نمکین تزاید روی داده چونکه نظامیان روس باوجود غدغن دولت ایران مقدار زیادی از این مالها را از آذربایجان‏ میبردند.

رسیّه که پیش از جنگ در میان ممالکی که طرف تجارت با ایران‏ بودند مقام اوّل را داشت حالا جای خود را بانگلیس داده و فعلا صادرات‏ انگلیس بایران سه برابر صادرات روس است در حالتیکه پیش از جنگ نصف صادرات روس هم نبود.مصر حالا درجهء سوّم را در میان‏ ممالکی که با ایران طرف تجارت هستند دارد و عمده بواسطهء صادرات‏ کلّی قند است از آن مملکت بایران و صادرات نفت از ایران بمصر که در زمان جنگ پیش آمده است.

این اطّلاعات از احصائیّهء آخری گمرکات دولت ایران که برای‏ سال مالیّهء ایران(از نوروز 1335 تا نوروز 1336)ترتیب داده شده‏ اخذ شده است.احصائیّهء سالانه در ماه دوّم پائیز(عقرب)در طهران‏ ترتیب و طبع میشود برای سالهائی که در اول بهار گذشته ختم شده. پس میتوان قیاس کرد که در احصائیّهء جدیدی که در پائیز گذشته‏ برای سال مالیّهء بعد(یعنی از نوروز سال 1336 تا نوروز 1337)ترتیب داده شده است(که هنوز بدست ما نرسیده)فرق‏ فاحش در ترقّی تجارت انگلیس با ایران بخیر انگلیس چقدر عظیم‏ خواهد شد.

در حسابهای فوق میزان و مظنّهء لییرهء انگلیس را نسبت بتومان ایران‏ هم باید در نظر گرفت که در سال مزبور چقدر بالا بوده و حالا بدو تومان و شش قران پائین آمده است.

SSکاغذهائی که از ایران میرسد از اواخر سال گذشتهء 1337 مهر «سانسور»و نظارت انگلیس را دارد.

SSعنوان کاغذهائی که بایران(طهران)نوشته میشود باید بطریق‏ ذیل نوشته شود: Via Boulogne-Tarente et Field Post Office Britannique Batoum-Enzeli.Teheran, Perse. و برای آذربایجان باطوم-باکو بایتسی باطوم-تفلیس-جلفا نوشته شود.

اخطار

روزنامهء«کاوه»مثل هر متاع دیگر لا بدّ هم طلب و هم معرض‏ پیدا خواهد کرد ولی ممکن است بدبختانه بسیاری از هموطنان ما اصلا داخل هیچ‏یک از این دو جمع نباشند و نسبت باین گونه امتعه‏ بکلّی بی‏قید باشند.ما سعی خواهیم کرد این‏گونه مردم را در جرکهء طالبین روزنامهء خود درآوریم ولی فعلا هم برای این مقصود و هم برای‏ استحکام اساس روزنامه ادارهء«کاوه»مجبور است بآن دستهء اوّل یعنی‏ طالبین ولو هر قدر کم باشند خطاب نموده و تقاضا کند که ما را در تربیت‏ اروپائی توزیع کاوه که پیش گرفته‏ایم تأیید و تشویق کنند یعنی وجه‏ اشتراک را نقدا پیشکی بدهند.اگرچه این ترتیب در ایران رایج نشده‏ ولی باید عاقبت روزی دایر شود که هم اسباب سهولت کار است و هم برای‏ مشتری و فروشنده بی‏دردسر.ترتیبی که مامیخواهیم پیش بگیریم‏ این است که بهر مشتری جداگانه و مستقیما بعنوان خودش توسّط پست‏ رزونامه بفرستیم بدون احتیاج بوکیل و موزّع و محصّل وصول پول‏ اشتراک در آخر سال.آنهائی که در فرنگستان هستند میتوانند مستقیما توسّط پست وجه اشتراک را برسانند.از ایران و عثمانی هم مستقیما میشود بطور حواله بیکی از مراکز مهمّهء اروپا برات پستی گرفت و فرستاد ولی‏ علاوه‏بر این ممکن است که پول را بیکی از چهار و یا پنج اداره یا تجارتخانهای معتبر که ما در شماره‏های آینده اسم و عنوان آنها را اعلان‏ خواهیم کرد داده و فقط قبضی از وصول وجه گرفته و آن قبض را بادارهء ما بفرستند که در آن صورت مستقیما تا یک سال روزنامه بآنها خواهد رسید و محض اطمینان خاطر عامّه منظور است که وجوه جمع‏آوری‏ شده نزد همان تجارتخانه که پولرا میگیرد تا شش ماه بشود وجوه اشتراک بصاحبان‏ آنها مستردّ گردد.

مراعات این ترتیب کمکی است بپیشرفت کار«کاوه»که نیّتش‏ خدمت بعلم است در زبان فارسی.

تصحیح

در شمارهء اوّل روزنامهء«کاوه»(دورهء جدید»غلط فاحشی در استنساخ روی داده که تصحیح آن از واجبات است و آن این است که‏ تاریخ عربی روزنامه در سرلوحه و هم‏چنین در تاریخ بدو انتشار دورهء جدید کاوه در مقالهء اوّل بجای غرهء جمادی الأولی سهوا غرّهء جمادی الأخره‏ نوشته شده در صورتیکه غرّهء جمادی الأخره تاریخ همین شمارهء دوّم است.